صنعت و کشاورزی از نزاع تا تعامل

دژم، عذرا

بخش کشاورزی به عنوان تامین کننده نیاز غذایی کشور، اشتغال‏زایی و ارزآوری و اثرگذاری بر تحولات اقتصادی و اجتماعی نیازمند توجهی در خور است.این بخش با در اختیار داشتن حدود 3/17 درصد تولید ناخالص داخلی(به قیمت‏ ثابت سال 69)بیش از یک پنجم ارزش صادرات غیرنفتی،یک‏ پنجم اشتغال،بیش از 82 درصد از عرضه غذا و تامین 90 درصد نیاز مواد اولیه صنایع تبدیلی کشاورزی همچنان دچار تنگناهایی است که جز با هماهنگی با سایر بخش‏ها،حل شدنی‏ نیست.قرار گرفتن هر یک از بخش‏های اقتصادی بر محور چرخه اقتصادی کشور به منظور توسعه،بدون توجه به بخش‏ دیگر از جمله مباحثی است که در همایش کشاورزی و توسعه‏ ملی به آن پرداخته شد.

در نخستین همایش کشاورزی و توسعه ملی که با هدف‏ تبیین توانمندی‏های بخش کشاورزی به منظور خروج از چالش‏های موجود اقتصاد ایران در زمینه تولید هر چه بیشتر ثروت ملی و ایجاد اشتغال برگزار شد به این مهم اشاره گردید که مهمترین راه توسعه کشاورزی و در نهایت توسعه ملی، توسعه متوازن و هماهنگ سه بخش کشاورزی،صنعت و خدمات است.چنانچه این سه بخش در یک ارتباط تعاملی با

گزارشی از نخستین همایش کشاورزی و توسعه ملی

صنعت‏ و کشاورزی‏ از نزاع‏ تا تعامل

عذرا دژم

یکدیگر قرار گیرند می‏توان به توسعه اقتصادی و توسعه ملی‏ امیدوار بود و توسعه کشاورزی کشور می‏تواند شتاب دهنده‏ توسعه صنعتی باشد.

اما کارشناسان به این نکته اشاره دارند که توسعه کشاورزی‏ خود در گرو سه عامل نیروی انسانی،سرمایه و تکنولوژی‏ است که در هر سه مورد با مشکل رو به رو هستیم.

به منظور بررسی نقش کشاورزی در توسعه ملی نخستین‏ همایش کشاورزی و توسعه ملی با توجه به ده محور برگزار شد و طی آن«توسعه همه جانبه ملی و بخش کشاورزی»، «کشاورزی و تامین غذا و امنیت ملی»،«بخش کشاورزی و روند جهانی شدن»،«سیاست‏های مالی و پولی و بخش‏ کشاورزی»،«سرمایه‏گذاری داخلی و خارجی»،«کشاورزی‏ و کارآیی بازار و سیاست‏های بازرگانی»،«کشاورزی و سیاست‏های حمایتی و دیدگاه‏های بین المللی»،«کشاورزی‏ در تقابل با صنعت و خدمات»،«کشاورزی و اشتغال و تشکیل‏های تولید»،و«توسعه پایدار بخش کشاورزی»مورد بررسی قرار گرفت.

محمود حجتی وزیر کشاورزی در سخنان افتتاحیه خود با اشاره به ناکافی بودن سرمایه‏گذاری در بخش کشاورزی گفت:متاسفانه رشد سرمایه‏گذاری در این بخش‏ در دهه‏های اخیر مطلوب نبوده است.به گونه‏ای که در طول‏ چهار دهه اخیر سهم بخش کشاورزی از کل سرمایه‏گذاری‏ اقتصاد به نفع سایر بخش‏ها،در سطحی بسیار نازل در حدود 4 تا 5 درصد در نوسان بود.

وزیر کشاورزی میزان سرمایه‏گذاری در بخش را در سال‏های اخیر،حتی برای جبران استهلاک سرمایه‏های موجود ناکافی دانست و میزان نرخ استهلاک برای کل بخش را پنج‏ درصد و برای ماشین آلات 7 درصد،و برای ساختمان و تاسیسات 4 درصد،برآورد کرد.وی سپس به مقایسه سهم‏ سرمایه‏گذاری در بخش کشاورزی با بخش صنایع و معادن و خدمات پرداخت و متوسط سهم سرمایه‏گذاری بخش‏ کشاورزی در طول سال‏های 1379 تا 1381 را 7/4 درصد و دو بخش صنایع و معادن و خدمات را به ترتیب 8/23 و 1/65 درصد اعلام کرد.

وی ریشه این مساله را در سیاست‏های خاصی دانست که‏ از سوی دولت در زمینه کنترل قیمت‏های کشاورزی به کار گرفته شده است و اعمال این سیاست را در جهت تضعیف‏ سودآوری فعالیت‏های کشاورزی در مقایسه با سایر فعالیت‏ها (صنعت،خدمات وساختمان)شمرد.وزیر کشاورزی سپس‏ نتیجه گرفت که یک اقتصاد پویا و مولد،به ویژه برای کشورهای‏ در حال توسعه،اقتصادی است که سهم تشکیل سرمایه در بخش‏های تولیدی آن نسبت به بخش خدمات حداقل 70 به‏ 30 باشد.در حالی که در سال 1381 مجموعه بخش‏های‏ کشاورزی،صنایع و معادن و نفت و گاز حدود 35 درصد،و بخش خدمات به تنهایی 65 درصد از سرمایه‏گذاران کشور را به خود اختصاص داده است.

دکتر محمد ستاری‏فر،معاون رییس جمهور و رییس‏ سازمان مدیریت و برنامه‏ریزی کشور نیز در سخنانی به تشریح‏ موقعیت بخش کشاورزی در برنامه چهارم توسعه پرداخت‏ و از اختلاف بین دو بخش کشاورزی و صنعت به عنوان‏ «نزاع»بین دو بخش یاد کرد و این«نزاع»را یکی از دلایل‏ کاهش تولید و بالا رفتن قیمت محصولات کشاورزی شمرد. وی در بخش دیگر سخنانش گفت:دولت برای تداوم رشد پایدار کشاورزی و بهره‏گیری از آن،جهت تحقق توسعه همه‏ جانبه کشور،باید خود را آماده سرمایه‏گذاری نوین از لحاظ فکری،رفتاری،تخصصی،فیزیکی و زیر ساختی کند.

دکتر ستاری‏فر در ادامه گفت:در کشورهای توسعه یافته، امر توسعه با تقسیم کار بین بخش‏های صنعت و کشاورزان و بدون تضاد بین آنها و با تعامل مستمر،به صورت خودگردان، موزون و هماهنگ صورت گرفته است.اما طی نیم قرن گذشته، ایران نتوانست در برنامه‏های توسعه خود یک برنامه جامع‏ توسعه برای کشاورزی را بدون تضاد طراحی و عملیاتی کند؛ به طوری که این بخش بتواند ضمن تحول توسعه‏ای در خود، ایفاگر رسالت تاریخی برای سایر بخش‏ها هم باشد.

وی در پایان ضمن برشمردن مشکلات درون بخشی‏ کشاورزی،به مواردی همچون تغییر کاربری اراضی،پایین‏ بودن دانش فنی،کمبود منابع سرمایه و سرمایه‏گذاری، نامناسب بودن ساختار نیروی انسانی موجود،پایین بودن نظام‏ بهره‏برداری،و کمبود ماشین آلات و فناوری اشاره کرد و مشکلات فرابخشی کشاورزی را مشکلاتی همچون‏ هدف‏مند نبودن حمایت‏های دولت از سرمایه‏گذاری،نبود برنامه،ناکار آمدی بازار محصولات کشاورزی،و هدف‏مند نبودن سیاست دولت در قبال صادر کنندگان دانست.

دکتر بخشیده،معاون برنامه‏ریزی و اقتصادی وزارت جهاد کشاورزی درباره مسائل و مشکلات بخش کشاورزی از ادغام دو وزارتخانه کشاورزی و جهاد سازندگی و چالش‏ اساسی مربوط به آن به عنوان یک مشکل فرابخشی یاد کرد و مشکل جذب منابع مالی و سرمایه‏گذاری در بخش را از مشکلات اساسی شمرد.وی با اشاره به آمار بانک مرکزی‏ گفت:به طور متوسط سهم سرمایه‏گذاری در بخش،در سال‏ 80 کمتر از پنج درصد است؛در حالی که سهم بخش‏ کشاورزی از تولید ناخالص داخلی بیش از 17 درصد برآورد شده است.در 20 سال گذشته سهم سرمایه‏گذاری در بخش‏ کشاورزی تغییر اساسی نکرده و این حالی است که به علت‏ دکتر ستاری‏فر «نزاع»بین دو بخش‏ کشاورزی و صنعت را یکی از دلایل کاهش تولید و بالا رفتن‏ قیمت محصولات‏ کشاوزی شمرد

کمبود سرمایه‏گذاری،فقط از پنجاه درصد ظرفیت‏های‏ تولیدی موجود در بخش توانسته‏ایم بهره‏برداری کنیم.

در این همایش،دکتر ناهید کلباسی انارکی از امکان استفاده‏ از اوراق مشارکت در طرح‏های بزرگ کشاورزی سخن گفت‏ و اوراق مشارکت را سازوکاری برای جذب نقدینگی‏ سرگردان در جامعه دانست.وی با ابراز تاسف از عدم پیشرفت‏ بازار سرمایه در کشور،گفت که عدم توفیق در گسترش‏ سازوکار عرضه و تقاضا در بازار کشاورزی به عوامل مختلفی‏ بستگی دارد.وی اوراق مشارکت را از جمله ابزارهای مالی‏ برشمرد که می‏تواند به نحو مطلوبی در طرح‏های عمرانی و تولیدی مورد استفاده قرار گیرد.

دکتر کلباسی تنوع بخشیدن به نرخ‏های سود علی الحساب و قطعی اوراق مشارکت،تنوع در مدت‏ سررسید و قابلیت تبدیل آنی به سهام را از جمله روش‏هایی‏ خواند که می‏توان برای جذاب کردن اوراق مشارکت،از آنها سود جست.وی از کشورهای بنگلادش،پاکستان، مالزی و سودان که دارای تجربه در انتشار اوراق مشارکت‏ برای تامین مالی این گونه طرح‏ها هستند،نام برد و امکان‏ الگو گرفتن از آنها را یادآور شد.

مریم بهزادی در بررسی تاثیر سیاست‏های پولی و مالی‏ دولت بر بخش کشاورزی گفت:بخش کشاورزی کشورهای‏ در حال توسعه به دلیل استفاده از فناوری سنتی و ابتدایی، برخوردای از شرایط اقلیمی نامناسب،توزیع ناعادلانه زمین، و سایر عوامل ساختاری،توان اندکی در عرضه مواد غذایی‏ دارند.بنابراین،افزایش تقاضا برای محصولات بخش‏ کشاورزی،به جای آن که به افزایش تولید منجر شود معمولا به افزایش قیمت محصولات می‏انجامد.از سوی دیگر،فرآیند صنعتی شدن و توسعه زندگی شهری توام با رشد درآمد سرانه، باعث افزایش تقاضا برای مواد غذایی و مواد اولیه می‏شود. ولی به دلیل تنگناهای موجود در بخش کشاورزی و همچنین‏ کمبود ارز برای تامین واردات،امکان افزایش متناسب عرضه‏ محصولات کشاورزی وجود ندارد.در واقع به همین دلیل‏ است که قیمت نسبی محصولات کشاورزی و مواد اولیه طی‏ زمان افزایش می‏یابد و این فشار به نوبه خود به سایر بخش‏ها منتقل می‏گردد و بر سطح عمومی قیمت‏ها می‏افزاید.

وی در بخش دیگری در مورد نتیجه بررسی‏های انجام‏ شده پیرامون تاثیر سیاست‏های پولی و مالی در بخش‏ کشاورزی گفت:نتایج به دست آمده حاکی از آن است که‏ سیاست‏های پولی در بلند مدت تاثیر اندکی بر بخش‏ کشاورزی دارد و این در حالی است که تاثیر سیاست‏های‏ مالی بر صادرات و سرمایه‏گذاری کشاورزی به مراتب بیشتر از سیاست‏های پولی است.بنابراین می‏توان گفت آن دسته از سیاست‏های اقتصادی که تقاضای کل را تحت تاثیر قرار می‏دهد،قادر به افزایش چشمگیری در این قسمت نخواهد بود اما تاثیر سیاست‏های پولی بر ارزش افزوده کشاورزی‏ بیشتر است.

دکتر محمد قلی یوسفی در بررسی جایگاه کشاورزی‏ در توسعه صنعتی،نقش کشاورزی در فرایند توسعه‏ صنعتی را در عرضه نهاده‏های کار و سرمایه و مواد خام‏ صنعتی و ایجاد تقاضا برای محصولات صنایع سبک و سنگین مهم خواند.وی ضمن تاکید بر ارتباط دو بخش‏ صنعت و کشاورزی گفت:موفقیت در صنعتی شدن مستلزم حل مشکلات مربوط به ایجاد, انتقال و استفاده از منابع مازاد کشاورزی,بهره‏برداری فنی‏ و تغییرات نهادی در این بخش است.به عبارت دیگر صنعت و کشاورزی مکمل یکدیگرند و از طرف عرضه‏ و تقاضا بر یکدیگر اثر گذارند.براساس اطلاعات موجود، بیش از 38 درصد بنگاههای صنعتی وابسته به بخش‏ کشاورزی است و با توجه به فناوریهای مختلف،حدود 17 درصد ارزش افزوده صنعتی و 46 درصد صادرات‏ صنعتی کشور متعلق به صنایع وابسته به کشاورزی است. بنابراین،برای توسعه موزون به راهبردی نوین و جامع و نیز هماهنگی بخشهای کشاورزی و صنایع با یکدیگر نیاز وزیر کشاورزی میزان‏ سرمایه‏گذاری در بخش‏ را در سال‏های اخیر، حتی برای جبران‏ استهلاک سرمایه‏های‏ موجود ناکافی دانست

سهم سرمایه‏گذاری در بخش کشاورزی کمتر از پنج درصد؛سهم‏ بخش کشاورزی از تولید ناخالص داخلی‏ بیش از 17 درصد

است.اگر چه وزارت صنایع سعی در تدوین راهبردی‏ برای توسعه صنعت کشور دارد اما فاقد ویژگیهای یک‏ طرح راهبرد جامع توسعه صنعتی با نگاه به جایگاه بخش‏ کشاورزی است و با نارساییهای بسیار جدی و بنیادی در زمینه‏های مختلف نیز روبه‏روست.

دکتر فرشاد مومنی نیز تحت عنوان بخش کشاورزی‏ در مواجهه با بحران ملی بیکاری از تحولات جمعیتی 25 سال گذشته به عنوان پدیده‏ای یاد کرد که بی‏توجهی به آن‏ باعث می‏شود این موهبتی که می‏تواند در پیشبرد ایران‏ در راه توسعه مورد استفاده قرار گیرد،تبدیل به تهدیدی‏ برای همه ارکان نظام اقتصادی،سیاسی،اجتماعی، فرهنگی و حتی امنیت ملی شود.وی سپس به نقش توسعه‏ کشاورزی و توسعه روستایی در مواجهه با این پدیده‏ جمعیتی اشاره کرد و افزود:در نیم قرن گذشته اکثریت‏ قریب به اتفاق تجربه‏های توسعه نشان داده است که غفلت‏ از جایگاه و منزلت بخش کشاورزی و جامعه روستایی از یک‏سو منشا پیچیده‏تر شدن مشکلات پیشین و از سوی‏ دیگر موجب ظهور مشکلات و مسائل جدی جدید خواهد شد.وجود برخی موانع ذهنی و ساختاری در کشور هنوز اجازه و امکان درک درست منزلت این بخش در پیشبرد هدف‏های توسعه ملی،مهار بحران‏ها و پیشگیری‏ از بروز دشواری‏های جدید،رادر سطح نظام تصمیم‏گیری‏ و تخصیص منابع فراهم نیاورده است.وی با معرفی‏ ریشه‏های موانع ذهنی و ساختاری و ظرفیت‏ها و توانمندی‏های بخش کشاورزی و جامعه روستایی به‏ اعتبار تجربیات سه برنامه گذشته توسعه کشور، راه حل‏های مشخصی برای برون رفت از چالش‏های‏ معطوف به بیکاری در سطح ملی ارائه کرد.

دکتر بهمن راغفر رییس موسسه عالی پژوهش مدیریت‏ و برنامه‏ریزی تحت عنوان مروری بر سیاست‏های‏ اقتصادی در بخش کشاورزی به راهبردهای توسعه‏ اقتصادی از سوی کشورهای مختلف پساز جنگ جهانی‏ دوم اشاره کرد و افزوده بیشتر کشورها راهبرد صنعتی شدن‏ را به دلیل ارزش افزوده این بخش برگزیدند.وی با تشریح‏ صنعتی شدن براساس دانش و دانایی منجر به توسعه‏ اقتصادی،آن را جدای از صنایع مونتاژ سنتی دانست و گفت:علیرغم همه تحولات تکنولوژیکی پیشرفته‏ترین‏ کشورهای صنعتی جهان،آمریکا،ژاپن و اتحادیه اروپا توسعه بخش کشاورزی را نه تنها به صورت مکمل بخش‏ صنعت می‏بینند و نه تنها کاربرد صنعت در کشاورزی را (بیوتکنولوژی گیاهی)موجب افزایش بهره‏وری و بازدهی‏ بیشتر بخش کشاورزی می‏دانند بلکه اهمیت تولید غذا را بیشتر در ارتباط با امنیت ملی خود ارزیابی می‏کنند. علیرغم آزادسازی در بخش‏های صنعت و خدمات، یارانه‏های عظیمی که در بخش کشاورزی در ایالات‏ متحده،ژاپن،و کشورهای عضو اتحادیه اروپا در این‏ بخش پرداخت می‏شود همگی مؤید اهمیت سیاسی تولید غذا در جهان است.

دکتر راغفر سپس به مقایسه توسعه صنعتی در ایران و سایر کشورها اشاره کرد و افزوده:در کشور ما توسعه صنعتی نه تنها هیچ نسبتی با روندی که در تحولات تکنولوژیکی دنیا صورت‏ می‏گیرد ندارد بلکه موجب غفلت از بخش کشاورزی شده‏ است.این غفلت علاوه بر آثار سوء اجتماعی و اقتصادی، عوارض غیر قابل انکاری به جا گذاشته که امنیت اجتماعی‏ و اقتصادی کشور را هدف قرار داده است.

وی هجوم از روستا به شهر و گسترش اسکان غیر رسمی و مفاسد اجتماعی گسترده را از نتایج بی‏توجهی به بخش کشاورزی‏ دانست و اظهار داشت که امروزه حتی حل معضلات مفاسد اجتماعی و شهری در ردیف مسائل کشاورزی قرار می‏گیرد و رویکرد توسعه اقتصادی واجتماعی کشور بدون توجه به بخش‏ کشاورزی ناقص و غیر عملی است.